

ولورد توتردن (۱) قاضی القضاة انگلستان و ترنر (۲) نقاش مشهور و غیر هم از دکان سلمانی قدم بعرضه اشتهار و بزرگی گذاشتند بطور تحقیق اصل و نسب شاکیسپیر معلوم نیست اما همه میگویند پدرش قصاب بوده است و خودش نیز در طفولیت پشم شانه میزد است، یا چنانکه بعضی میگویند در یکی از مدارس مستخدم بوده و بعد منشی شده است؛ لکن در هر صورت در این نابغه بزرگ تمام تجربیات بشر جمع شده بود، مثل اینکه خود او تمام حرفه ها را داشته و مدتها در هر یک از آنها کار کرده است، در صورتیکه به هیچیک از آن حرفه ها نپرداخته بود ولی هوش و قریحه سرشار و سرعت انتقال و مطالعه و تجربیات او را بنوشتن قطعانی موفق ساخت که تا هنوز هم جزء شاهکارهای عالم ادب محسوب میشود و تسلط شدیدی بر افکار و عقاید ملت انگلیس دارد

از میان طبقه کارگر اشخاصی زیاد پیدا شدند که قابل ذکرند از جمله (یونانی) مهندس، (کوک) (۳) دریاپیمای معروف و برنس (۴) شاعر و از میان طبقه بناها (بن جنسن) که عمارت لنکلن را ساخته و (ادوارد) مهندس و (هیومار) عالم طبقات الارض و (تلفرد) مهندس و (الن کنتهام) مولف و نقاش، از طبقه نجارها (اینکو جونس) و (هریسن) سازنده کرومتر و (جون هنتر) فیز یولوژی دان و (رمنی) مصور و (اوبی) مصور، پروفیسور (ای) معلم السنه شرقی و (جون جیسن) نقاش و از میان طبقه جول (سمسن) ریاضی دان، (باکن) نقاش، (مانر) (آدم ولکر)، (جون نستر)، (ولسن) حیوان شناس، دکتر (لونکستن)

( ۱ ) Aenderlin ( ۱۷۶۲ - ۱۸۳۲ )

( ۲ ) Turner مشهورترین مصورین انگلیسی است در تصویراراضی (۱۷۷۵-۱۸۵۱)

( ۳ ) Cook از مشهورترین بحر پیمایان انگلیسی است که دور کره گردش کرده

و بر استرالیا مسلط شد (۱۷۰۸ - ۱۷۹۶)

( ۴ ) Burns شاعر اسکاتلندی ( ۱۷۵۹ - ۱۷۹۶ )

سیاح مشهور، (تناهل) شاعر. از میان طبقه کفش دوز سر (کلودسلی شوول) اد میرال بزرگ، (ستر جیون) عالم الکتریسته، (سموئیل درو) مؤلف، (جیفرد) نویسنده جریده کورترلی، رویو، (بلمفید) شاعر، (ولیم کاری) و (موریسن) دو مبلغ مشهور، و از میان همین طبقه چندی قبل (توماس ادورد) بر خاست که تمام علوم طبیعی را فرا گرفت در حالتیکه مشغول حرفه خود بود یک نوع از متحجرات جزء کنفیات اوست که علماء طبیعی آنرا (Praniza Edward sii - پرانیزا ادواردسی) با سم او نامیدند از میان طبقه خیاط (جون ستو) مورخ، (جکسن) مصور و پهلوان شجاع، سر (جون هکسود) و اد میرال (هسن) که در جزیره (دیت) شاگرد خیاطی بود و اتفاقاً یک کشتی جنکی مقابل آنجا لنگر انداخت و او با بعضی از جوانان برای تماشای کشتی بطرف ساحل دویدند، در آنجا شوق زیاد در او تحریک و سوار قایقی شده خود را بکشتی جنگی رسانیده داوطلب خدمت بحریه شد و قبول گردید و پس از چند سال بمنصب امیرالبحری و بالاترین درجات افتخار و شرف نائل شد. خلاصه چنانکه ملاحظه میکنید از میان این طبقات رجال علم و ادب و سیاست بیرون آمدند مشهورترین کسی که از میان طبقه خیاط ظاهر شد (اندرو جکسن) رئیس جمهور اتازونی است که معروف بعقل و تدبیر بود. میگویند وقتی نطق مفصلی راجع بتاریخ زندگانی خود در واشنگتن از زمان خیاطی تا ریاست جمهور و درجانی را که در این میانه طی کرده است نمود که تمام مجلس را بصدا در آورده و همه میگفتند «از خیاطی تا ریاست جمهور». این شخص همیشه سرزنش و تعرض دشمنان خود را با حوادث مفیده تاریخی جواب میدهد روزی میگفت بعضی مرا ملامت میکنند که خیاط بوده ام. من در خیاطی هیچ ننگ و عاری نمی بینم وقتی من خیاط بودم بامانت و مهارت مشهور بودم و همیشه لباسهای مشتریان خود را سر وقت و موعد بانها میدادم علاوه بر اینکه سعی میکردم کاملاً آنها

را از حیث دوخت و برش از خود راضی کنم « (۱)

( کاردینال ولسی بزرگ ) پسر قصابی بود . از جمله اشخاصی که در اختراع ماشین بخار ید طولائی داشتند ( نیوکمن ) و ( وت ) و ( ستفنسن ) میباشند که اولی آهنگر ، دومی نجار و سومی وقاد بود ( بویک ) بزرگترین نقاشان روی چوب از کارگران معادن ذغال سنک بود . و ( ولسی ) فیلسوف نوکرو ( بنف ) ناخدای ماهر کارگر یکی از سفائن ، هرشل فلکی مشهور نی زن بودند ، ( فره دای ) تاسن بیست و دوسالکی مشغول جلد کردن کتب بود ولی امروز از طراز اول فلاسفه طبیعی بشمار و حتی بر استادش سر ( همفری داوید ) تفوق دارد

از جمله اشخاصی که تقدم علم هیئت مرهون زحمات آنهاست کوپرنیک و گیلرودالمبر و نیوتن و لاپلاس است که اولی پسر نانوائ لهستانی ، دومی پسر شراب فروش آلمانی و سومی از اطفال سر راهی است که بر روی پله های کلیسای سنت ژان پاریس او را پیدا کردند و در خانه یک زن شیشه کر تربیت شد و چهارمی و پنجمی فلاح زاده های فقیری بودند که در نهایت درجه تنگدستی با سعی و کوشش خود شهرت و مقامی را احراز کردند که کنجهای دنیا نمیتواند با آنها برابری کند و

( ۱ ) در ایران به نسب بیشتر اهمیت میدهند تا قوا و لیاقت ذاتی لذا حتی اشخاصی هم که سعی و لیاقت و کفایت خود بمقامات عالی میرسند نسب حقیر خود را سعی می کنند مخفی نمایند شعرا و مصلحتین هم بجای اینکه کفایت و لیاقت شخصی او را موضوع مدح قرار دهند بدون سب شروع بساختن نسب نامه های بی حقیقت میکنند مثلا مورخین سلاطین قاجاریه بجای اینکه استمداد ذاتی آقا محمدخان را مثلا موضوع مدح قرار دهند تا سه پشت او را شاه میخوانند در صورتیکه اهمیت آقا محمدخان در این نبود که پدربش پادشاه است بلکه در این بود که با قوای خود مالک تاج و تخت ایران شد مخصوصا حرفه های آزاد و مستقل و مولد ثروت حقیر است ؛ زنها بردانی که « اهل اداره » هستند بیشتر اهمیت میدهند و زودتر حاضرند دختر خود را بانهابندند همچنین بخاطر دارم شخصی یکی از رفقا میگفت پدرش خیاط بوده است آن شخصی محترم متغیر شد و سعی میکرد با دابل ثابت کند که پدرش خیاط نبوده و پیشکار یکی از اعیان درجه اول بوده است

و شاید اگر متمول بودند باین مقام شامخ علم و معرفت نمیرسیدند در ممالک انگلیس بیشتر اولاد کشیشان و روحانیون مشهور و مبرز شدند مثل ( دراک ) و ( نلسن ) از رجال مشهور بحریه ؛ ( ولستن ) ، ( بن ) ، ( بلفیر ) و ( بل ) از طبقه علما ؛ ( رن ) ، ( رینلدز ) ، ( ولسن ) ( ولکی ) از نقاشهای بزرگ ، لوردهردینک و کنل ادوارد و مازور هدسن از کسانی که در جنگهای هند مشهور شدند ، ( ادیسن ) ( تمسن ) و ( بنین ) در انشاء استیلاء دولت انگلیس بر هندوستان مرهون لیاقت و کفایت عده معدودی است از طبقه متوسطه مانند ( کلیو ) و ( رن ) و ( هستنس ) که سابقه آنها در زحمت و کار و کارخانه ها بوده است

غیر از ملت انگلیس تواریخ سایر ملل نیز پراست از این قبیل رجالی که تقررا با سعی و کوشش خود مقتخر نمودند . پاپهای مشهور ما مانند کریکوز هفتم ، سکستوس پنجم و ادربانوس ششم از خانواده های فقیر بودند میگویند ادربانوس در ایام جوانی بدزجهای فقیر بود که نمیتوانست برای مطالعه خود چراغی تهیه کند لذا دروس خود را در روشنائی چراغ کوچک حاضر میکرد (۱)

جستر طبیعی دان معروف سویسی پسر دباغی بود که در ایام صباوت و جوانی تمام چیزهائی که میبایستی موجب ضعف همت او گردد مانند فقر ، مرض ، پرتی حواس برای او جمع بود ولی هیچکدام از اینها مانع سعی و عمل و اشتها او نگردید

همچنین پطر رامس که پسر مرد فقیری از اهل ( بیکاری ) و در صباوت کار او کوسفند چرانی بود از حرفه خود متنفر شده بیاریس فرار کرد بعد از تحمل مشقتها و سختی ها بعنوان نوکری وارد کالج

( ۱ ) جقدرشبهه است احوال این شخص باین نصر فارابی که با نهایت قهر و تنگدستی بان درجه از علم و فلسفه نائل گردید . میگویند قسمت اعظم شب را در مطالعه میگذرانید ولی از چراغ عس و قراول کوچک استفاده میکرد برای اینکه خرد نمیتوانست چراغی برای مطالعه تهیه کند

ناوار شد، ولی هر دقیقه و هر فرصتی را صرف درس و مطالعه می نمود؛ تا پس از اندک مدتی از مشهورترین رجال عصر خود گردید (و کولین) شیمی دان معروف، باغبانی بود که از شدت فقر میگویند وقتی در مدرسه درس میخواند باندازه‌ای که تمام بدنش را پوشاند لباس نداشت ولی آیات هوش بر پیشانی‌ش خوانده میشد معلمش وقتی میخواست سعی او را تمجید کند باو میگفت « آفرین پسر من این جدوجهد را از دست مده روزی خواهد رسبد که لباس خوبی مثل لباس پاسبان ککلیسیا بیوشی » یکی از صاحبان دواخانه بمدرسه رفته و خیلی از قوت بازوی او خوشش آمده بود او را برای سائیدن بعضی از دواها استخدام کرد ولی ابدأ باو اجازه رفتن مدرسه نمیداد او هم دواخانه را ترك کرده به پاریس رفت آنجا باغلب دواخانه‌ها رفته خواست مستخدم شود کسی قبولش نکرد؛ بکلی بیچاره و مستاصل شد؛ گرسنگی و زحمت او را از پای در آورده ناخوش کرد بعضی از ارباب ترحم بمریضخانه اش فرستادند و یقین داشتند جان سلامت بدر نخواهد برد ولی دست تقدیر برای او آینده زیبایی تهیه کرده بود لذا پس از اندک مدتی شفا یافته و ثانیاً بدواخانه‌ها مراجعه نمود و بالاخره در یکی از دواخانه‌مستخدم شد بعد از چندی به (فرکروی) شیمی‌گر معروف معرفی شد و استاد مزبور مراتب لیاقت و فضل او را باز دانسته در تکریم و احترام او فروگذار نکرده منشی مخصوص خویش نمود و پس از مرگ استاد در تدریس شیمی جانشین او گردید و در سال ۱۸۲۹ از ناحیه (کلوادو) انتخاب و بمجلس شوری در آمد در فرانسه بیش از انگلستان انسان بصاحب منصبان بزرگی مصادف میشود که از پست‌ترین مراتب نظامی به برترین درجات قشونی نائل شدند: هس (hoch) - از مشهورترین سرداران جمهوری) و امبر و پیشگرو Piché gru تاین بودند؛ هس پیش‌سینه لباس‌های نظامی

را درست میکرد و از قیمت آن کتابهای مربوط بعلم جنگ را میخرید امیر از خانه پدرش در شانزده سالگی فرار کرده بدو نوکر تاجری بعد نوکر کارگری و سپس مستخدم پوست فروشی شده و بعد از آن داوطلب خدمت نظامی گردیده يك سال نگذشت که فرمانده قسمت مهمی گردید همین طرز کلابر، لقاور، سوشی، وکتور، لان، سوات، ماسان، سن سیر، درلون، مورا، اوگرو، بسیر، نی. چیزی که هست بعضی از آنها سرعت ترقی کردند و بعضی با تائی: سن سیر پسر دباغی بود که وارد سواره نظام شد و بعد از يك سال بدرجه سلطانی رسید، ویکتور دوک بلونو بسال ۱۷۸۱ وارد توپخانه شد در حوادث قبل از انقلاب از قشون بیرونش کردند و از بدو جنگ باز وارد قشون شده در اندک مدتی وارد ارکان حرب و رئیس قسمت شد. مورا (۱) پدرش صاحب مهمانخانه بود وارد سواره نظام شد، بواسطه عدم اطاعت بیرونش کردند، تانیا وارد و بزودی بدرجه سرهنگی رسید. نی (۲) بسن هیجده سالگی وارد نظام شد ژنرال کلابر جربزه و تهور او راپسندیده اورا درجه بدرجه ترقی داد تا بسن بیست و پنج سالگی آجودان ژنرال شد. اینها کسانی بودند که بسرعت پیشرفتند

مارشال سوات (۳) شش سال در تاینی باقی ماند تا وکیل چپ شد؛ وقتی وزیر خارجه شد شروع کرد بخواندن جغرافی برای این که اطلاعی از این علم نداشت و خیلی لذت میبرد. مارشال ماسهنا (۴) چهارده سال در قشون خدمت کرد و هنوز بدرجه وکیل نرسیده بود

Murat دائی ناپلیون اول و پادشاه ناپل و یکی از سردارهای

معروف فرانسه است

(۲) Ney مارشال نی از سردارهای ناپلیون ۱۷۶۹-۱۸۱۵

(۳) Soult ۱۷۶۹-۱۸۵۱

(۴) Massena از بزرگترین سرداران ناپلیون بود ۱۷۵۸-۱۸۱۷

با وجود اینکه بعد از آن بترتیب درجات سلطانی و یآوری و سرهنگی و سرتیبی را تا مارشالی طی کرد میگفت رسیدن بدرجه وکیلی خیلی بیشتر مستلزم زحمت و مشقت برای من بود تا تمام این درجات. این درجات نظامی هنوز هم در فرانسه معمول است: مارشال رندون که وزیر جنگ شد در طفولیت برای طبل زدن وارد قشون شد و در ورسایل صورت او با طفلی که دست دارد موجود است که بنخواستن خودش کشیده شده این چیزهاست که آتش شوق و غیرت را در افراد نظام فرانسه روشن کرده آنها را با امید رسیدن بدرجه مارشالی (اگر نکوئیم امپراتوری) بفداکاری و ادار مینماید

این کتاب کنجایش ذکر اسامی تمام آن اشخاصیکه بسعی و همت شخصی و با وجود مصاعب نا محدود رستگار شدند ندارد این اشخاصی را که اسم بردیم برای نمونه بود، نه اینکه تصور کنید اینگونه اشخاص قلیل الوجودند و نمیشود از روی این عده قیاس کرد. خیر این عده نسبت بتمام انکسانیکه بهمت و اقدام ذاتی، از پست ترین درجات بمقامات بلندی رسیدند، غیر قابل ذکر است بدرجه اینگونه اشخاص زیاد هستند که میتوان گفت این يك مسئله عمومی و بدیهی است که هر کس دنبال مقصود بر خاست و با همت و سعی آنرا خواست و از کار خسته نشد بمقصود خود خواهد رسید. وقتی باحوال دستة که بسعی خود بمقاماتی رسیده - اند نظر میافکنیم می بینیم سختی های اولیه از شروط و لوازم موفقیت آنهاست

در مجلس شورای انگلیس زیادند از این قبیل اشخاص که در میان ارباب صنایع و حرف پرورش یافته اند: بروترتن (Brotherten) وکیل ناحیه سلفرد در طی نطقی که در پارلمان میکرد شرح مصاعب و زحمتیکه در کارخانه پنبه، وقتی که آنجا کارگر بود، داده و گفت من

از آنوقت مصمم شدم تمام سعی و کوشش خود را در اصلاح شؤن کارکران مصروف سازم همینکه نطق او تمام شد سرژاکوپ گرایهم graham بر خاست و گفت من تاکنون نمودار نمودن بر وترتون تا این حد از طبقات نازل است ولی امروز افتخار من بصورت مجلسی که اینگونه اشخاصی که سعی و اهتمام خود از پست ترین درجات جامعه بصفوف بزرگان دنیا وارد میشوند در آن هستند زیاد کردید

مسترلندسای وکیل سندرلند در جواب مخالفین سیاسی خود نطق میکرد و زندگانی خود را شرح میداد که در سن چهارده سالگی پدرش مرد کلاسکورا ترک و به لیورپول رفت و چون اجرت حمل و نقل کشتی را نداشت بدهد کاپیتان کشتی راضی شد که بجای پول مسافرت در مدت سفر زغال سنگها را اگربال کند در لیورپول هفت هفته بدون کار معینی زندگانی کرده شبها در بیابان میخوابید و بقدر سد جوع هم قوتی تحصیل نمیکرد؛ پس از آن دریگی از کشتی ها مستخدم شده و در سن ۱۹ سالگی بریاست یکی از کشتی ها نائل شد و از سن ۲۳ سالگی دریا را رها کرد و بجد جهد و پشت کار خود شروع به پیشرفت نموده است

نظیر این پیشرفت مسترولیم جکسن وکیل نورث است که پسر جراحی بود در لنکستر و بعد از فوت پدرش در ۱۲ سالگی مجبوراً از مدرسه بیرون آمد در کارخانه شبانه روز چهارده ساعت کار میکرد؛ بعد از مردن صاحب کارخانه و تعطیل آن در دایره محاسباتی مستخدم شده و در آنجا بدائره المعارف بریتانی دست یافت و شبها را بمطالعه کتاب مذکور وقت میگذرانید بعد از چندی افتاد به تجارت و پیشرفت های مهمی نمود؛ باینقسم در تمام دریاها کشتی های او در حرکت بود و با تمام ممالک دنیا علاقه تجارتی داشت

مشابه آن؛ پیشرفت مستر «ر. گبدن» ( ۱۷۷۴-۱۸۳۳ ) ( gobden ) است